

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشق‌ری
فرستنده: محمود شاداب
۲۱ مارچ ۲۰۱۹

[غزل‌های فنائی]

مرا خوانی به سویت یا خود آئی ز دست و پای افگندم جدائی
خبرداری که هر شام غریبان بیایم بر درت بهر گدائی
پس از عمری که دیدم یار را گفت چه آوردی برایم رونمائی
بنازم آن جوانی را که دارد به اقلیم دلم فرمانروائی
بنازم مشرب رندانه ات را که در میخانه داری پارسائی
رسیده بر کف پای تو امشب که آید اشک چشم من حنائی
رقیبا بگذر از شرط قمارت پر من زور باشد با دوتائی
ندانم عشق‌ری محو کی گشتی که می باشد غزل‌هایت فنائی